

زمان در قاب زبان

درونمایه‌های شعر معاصر افغانستان

استاد عبد الرحیم نیک خواه



مؤسسه انتشارات عرفان

۱۳۹۵



- سرشناسه : نیک خواه، عبدالرحیم، ۳۴۵
- عنوان و نام پدیدآور : زمان در قاف زبان: درونمایه های شعر معاصر افغانستان / عبدالرحیم نیک خواه
- مشخصات نشر : تهران؛ موسسه انتشارات عرفان، ۱۳۹۵
- مشخصات ظاهری : ۵۹۲ ص؛ جدول، نمودار (رنگی)؛ ۲۱/۶×۱۴/۵
- شابک : ۹۵-۱-۶۵۸۰-۶۰۰-۹۷۸-۴۹۰۰۰۰ ریال
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : کتابنامه ای.
- عنوان دیگر : درونمایه های شعر معاصر افغانستان
- موضوع : شعر فارسی - افغانستان - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
- موضوع : شاعران افغانستانی - قرن ۱۴ - سرگذشتنامه
- رده بندی کنگره : ۸۱۳۹۴ ز ۹ ن ۸۹۱۳ / PIR
- رده بندی دیویی : ۸۱/۶۲۰۹
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۵۵۸۳۵



مؤسسه انتشارات عرفان

زمان در قلاب زبان

درونمایه‌های شعر معاصر افغانستان

نوشته: دکتر عبدالرحیم نیک‌خواه

طراح جلد: وحید عباسی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه انتشارات عرفان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ سفید

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

تیراژ: ۱۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۸۰-۹۵-۱

□ حق چاپ در ایران و افغانستان برای ناشر محفوظ است.

نشانی:

تهران، خیابان سمیه، بین چهارراه دکتر مفتاح و خیابان رامسر، پلاک ۱۱۸، طبقه سوم، واحد ۶

تلفن: ۸۸۳۰۰۲۴۵ فاکس: ۸۸۸۱۱۰۵۳

کابل، چوک دهبوری، چهارراه شهید، کتابفروشی مؤسسه انتشارات عرفان

تلفن: ۰۰۹۳-۷۹۹۳۴۹۷۲۷

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۲۹	فصل اول: کلیات
۳۱	بخش اول: جغرافیای سیاسی و طبیعی
۴۱	بخش دوم: تاریخ سیاسی اجتماع افغانستان
۴۹	بخش سوم: فرهنگ و هنر افغانستان
۵۵	بخش چهارم: پیشینه‌ی زبان فارسی دری افغانستان
۵۹	بخش پنجم: پیشینه‌ی ادب فارسی دری مدرنی
۶۷	بخش ششم: ادبیات معاصر دری افغانستان
۷۵	بخش هفتم: شعر معاصر افغانستان (سه دهه اخیر)
۸۷	بخش هشتم: معرفی شاعران برگزیده
۹۴	فصل دوم: درون‌مایه‌ها
۹۶	آبادانی
۹۸	ویرانی
۱۰۲	امید و آرزو
۱۲۱	ناامیدی
۱۵۹	خدا و دین
۱۵۹	خدا
۱۸۹	موسیقی
۲۰۷	می و مستی
۲۱۷	عشق
۲۲۹	عشق‌باز
۲۳۰	معشوق
۲۳۰	معشوقه

۲۳۰	خوب‌ترین
۲۳۰	سادگی
۲۳۰	ساده
۲۳۱	سوختن
۲۵۵	فرهنگ و هنر
۲۵۷	عدالت
۲۵۸	ظلم
۲۶۲	آدم
۲۶۶	مردم
۲۷۱	سبک جامعه
۲۸۸	آزادی
۲۹۵	حق
۲۹۸	باطل
۲۹۹	تفکر
۳۱۰	شادی
۳۱۸	غم
۳۴۲	زندگی
۳۵۰	مرگ
۳۷۳	صلح
۳۷۴	جنگ
۴۰۷	مقاومت
۴۱۷	مهاجرت
۴۳۷	خوشبختی
۴۴۵	بدبختی
۵۰۴	صفت‌های خوب
۵۲۱	صفت‌های بد
۵۳۳	تقدیر
۵۳۷	فصل سوم: نتیجه‌گیری
۵۳۹	جدول آماری مداخل‌های اصلی و فرعی
۵۵۰	نمودارها
۵۵۵	تحلیلی از شاعران جامعه‌ی آماری پژوهش
۵۶۹	ضمائم
۵۷۱	فهرست مجموعه‌های شعر گردآوری شده
۵۷۹	منابع
۵۸۵	سایر منابع

مقدمه

ایران و افغانستان مشترکات فرهنگی و تمدنی دیرینه‌ای دارند؛ چنانکه در بسیاری از موارد نمی‌توان یکی را از دیگری باز شناخت یا آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد. بنابراین اگرچه این دو کشور، امروز دو واحد سیاسی جدا هستند، در اساس ملیتی یگانه به‌شمار می‌روند. میراث فرهنگی مشترک این دو ملت یادگار چند هزار ساله‌ی نیاکان مشترک آنها است. یکی از این یادگارها «زبان و ادب پارسی» است که سازه‌ی آن در افغانستان کمتر از ایران نیست. بسیاری از بزرگان ادب پارسی در این سرزمین دیرینه به جهان گشوده، در آن بالیده و در همان‌جا آرمیده‌اند و برخی دیگر نیز از آن کوچ کرده، فرهنگ، زبان و ادب این سرزمین را به شام و روم و هند برده‌اند. به قول انوشه:

از این روست که نام هرات و غزنه، بلخ و بامیان، فاریاب و قندهار، نابل و مزار شریف در جای جای آثار مکتوب ایران، فرهنگی نمایان است و اکنون نیز این سرزمین - به‌رغم سختی‌ها و مرارت‌ها و نابسامانی‌ها - خاستگاه نام‌آوران بسیاری است که از بزرگان ادب پارسی به‌شمار می‌آیند. (۱۳۸۱: مقدمه)

یا بنا به سروده‌ی خلیل الله خلیلی:

زاغاز تاریخ ایران و افغان / ز باغی دو سرو روان قد کشیده // دو شاگرد فطرت

دو استاد مشرق/ سرخوان دانش چو اخوان نشسته // به شاخی دو مرغ خوش الحان
نشسته/ دو هم درس در یک دبستان نشسته

از این رو است که تاریخ ادبیات قریب به هزارساله‌ی ایران و افغانستان، تاریخی یگانه است. افغانستان در قلب پرتپش آسیا یگانه سرزمین الهام بخش بوده است که مولوی‌ها، سنایی‌ها، جامی‌ها، عنصری‌ها و ... را با فرزندان بی‌شمار در آغوش خود پرورانده؛ فرزندان‌ای که هر کدام چون مشعلی فروزان در سینه‌ی تاریخ ادبیات ما می‌درخشند. به دلیل وابستگی ای بیان شده و همچنین ضرورت بیان دلبستگی‌های دو ملت، نگارنده بر آن است تا به واکاوی یکی از زوایای مهم شعر امروز شاعران افغانستان بپردازد. اهمیت شعر در قلمرو ادبیات، از پیش فرض‌های این رویکرد است و محور اصلی این تحقیق (اعتقاد به اصالت اندیشه و معنا و مضمون) پرداختن به «بن‌مایه‌های شعر معاصر افغانستان» است. لذا به سایر حوزه‌های ادبی از جمله رمان، سفرنامه، داستان، داستان کوتاه و امثال آن - که خود تحقیقی مجزا را می‌طلبد - نپرداختم. محدود کردن موضوع تحقیق به مفاهیم و مضامین نیز صرفاً به دلیل منطقی شدن حجم کمی و افزایش کیفیت تحقیق است و به هیچ روی در کوچک شمردن جایگاه «لفظ و صورت و ظاهر شعر» که از جنبه‌های مهم زبانی است، کالت نمی‌کند.

اهمیت و جایگاه شعر نیز در عرصه‌ی فرهنگ از آن‌ها بر ارباب معرفت روشن است؛ به نحوی که می‌توان ادعا کرد که شعر، فلسفی‌تر و بهر جای‌تری از تاریخ است. زیرا نمایاندن واقعیت‌های کلان یک جامعه از منظر یک شاعر، اثری قابل اعتمادتر و به آرمان‌های اکثریت مردم نزدیک‌تر است و به یقین در مقایسه با فلسفه و تاریخ، از تأثیر بیشتری برخوردار است. نوع نگاه شاعر به پیرامون خود و اندیشه‌های انتزاعی او، مؤثرتر از گزارش تاریخ‌نگاران از اجتماع است. جهان مطلوب شاعر، چیزها را چنان که شایسته است، نشان می‌دهد؛ اگرچه از آنچه هست چشم نمی‌پوشاند و به این ترتیب خوانندگان را بیشتر به کارهای بافضیلت رهبری می‌کند.

اهمیت پرداختن به شعر معاصر افغانستان نیز در اهمیت محیط جغرافیایی (کشور افغانستان) و همچنین اهمیت و کارکرد شعر در عرصه‌ی اجتماع نهفته است. آگاهی از

عصر و زمان فردوسی و حافظ به شناخت بیشتر شعر و اندیشه‌ی این بزرگان کمک می‌کند. از سوی دیگر، مطالعه‌ی اشعار این بزرگان، باعث شکل گرفتن شناختی کلی از اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی زمانه می‌شود. این واقعیت مبین تعامل شاعر با اجتماع است و مطالعه‌ی چنین تعاملی هرچه جدیدتر و به عصر و زمان محقق نزدیک‌تر باشد، کاربردی‌تر و مفیدتر خواهد بود. محمد لعل‌زاد می‌نویسد:

شعر نمایی از واقعیت‌های عینی جامعه است و احساس شاعر از چگونگی اوضاع محیطش سرچشمه می‌گیرد. هر گاه مردم جامعه، زندگی مرفه و خوشی داشته باشند و یا [در جامعه] عدالت و مساوات نسبی برقرار باشد، شاعر با لحن خوش و فراخ در از این و معشوق صحبت می‌کند. هر گاه وضع مردم رقت‌بار بوده و ظلم غارتگری - کم‌فرما باشد، شاعر اگر بتواند صدای خود را بلند کند، بر علیه این مظالم و نوبت در آنما ایملامی سازد و اگر نتواند، به طور غیر مستقیم سخن می‌گوید و بدون ذکر این ندها به درگاه خدا فریاد می‌کند و خواهان بهبود اوضاع می‌گردد؛ همین عواطف در شعر معاصر افغانستان هم منعکس شده‌اند. (۱۳۷۷: شماره صفحه)

از این رو پرداختن به اهمیت شعر معاصر در رصه‌ی اجتماع و اهمیت محیط جغرافیایی مذکور، مهم‌ترین انگیزه‌ی اینجانب در انتخاب عنوان رساله است.

اهداف و کاربرد پژوهش

در بررسی‌های سبکی یک اثر ادبی یا آثار ادبی یک دوره، همانند هر هم معنی مورد توجه قرار می‌گیرند. به باور اینجانب: اندیشه‌های نهفته در یک اثر ادبی که از آن با عنوان «معنی»، «مضمون»، «باطن»، «محتوی»، «بن‌مایه» یا «درون‌مایه» یاد می‌کنیم، دارای اهمیت والاتری است. بدین جهت هدف محوری این پژوهش: شناسایی، استخراج و طبقه‌بندی درون‌مایه‌های شعر معاصر افغانستان است. ضرورت این امر نیز مبتنی بر توجه بیشتر این دسته از شاعران و مخاطبان آنها به اندیشه‌ها، باورها و آرمان‌های شعر امروز افغانستان است که تا کنون به این روش انجام نشده است.

وضعیت نابسامان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی معاصر افغانستان، به‌ویژه

در سه دهه‌ی اخیر و بروز ناامنی‌ها و جنگ‌های بیرونی و داخلی، عرصه را به محققان، پژوهشگران و نویسندگان زمینه‌های مختلف علمی و ادبی تنگ کرده و مراکز دانشگاهی نیز دچار آسیب‌های جدی شده‌اند. در سفری که حدود سه سال قبل به کابل داشتم، در ملاقات با استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دری متوجه شدم که دانشگاه دولتی کابل فاقد مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌ی زبان و ادبیات پارسی است و حتی مقطع کارشناسی نیز به تازگی، بازسازی و راه‌اندازی شده است. با توجه به این که مراکز تحقیقاتی و علمی اعمالتان نیازمند بازسازی است، رساله‌ی حاضر در موارد زیر قابل بهره‌برداری است:

- آشنایی بیشتر با افکار، اندیشه‌ها، آرمان‌ها، تخیلات و دغدغه‌های شاعران معاصر در مقام هیخترین طیف جامعه‌ی امروز افغانستان؛

- شناسایی و به‌امد زین مضامین شعر امروز افغانستان؛

- آشنایی با روش‌های پژوهش مفاهیم و معانی بلند شعر امروز افغانستان به‌وسیله‌ی

صور خیال، روایت و صنایع بدلی معنوی؛

- شناسایی دقیق‌تر گرایش‌های مضامین شعر امروز افغانستان؛

- بازگویی و توصیف اجمالی دره‌ی مایه‌های شعر امروز افغانستان، به منظور ایجاد

سهولت در فهم مضامین؛

- بازخوانی تاریخ سیاسی و اجتماعی افغانستان در دهه‌ی اخیر، به منظور

دریافتی عمیق‌تر از وضع ادبی این دوره؛

- مروری اجمالی بر وضعیت فرهنگی و هنری این دوره؛

- ارائه‌ی تصویری روشن و نسبتاً جامع از وضعیت ادب معاصر پارسی دری (۲۵۰

سال اخیر)؛

- بیان کلیاتی از ادبیات امروز افغانستان (سه دهه اخیر)؛

- ایجاد مبنایی برای انجام مطالعه‌ای تطبیقی با ادبیات معاصر ایران و سایر ملل

جهان به روش «سجش همبستگی».

فرضیه‌ها یا پرسش‌های تحقیق

ادبیات هر ملتی - به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌ی فرهنگ - همواره در تعامل با اجتماع

بوده است، بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. دو ملت ایران و افغانستان نیز از تاریخ، زبان، ادبیات و فرهنگ مشترک برخوردارند؛ ولی در دهه‌های اخیر، تفاوت‌های بسیاری در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داشته‌اند. لذا مهم‌ترین فرض این پژوهش وجود مشترکات در بسیاری از حوزه‌های مضمونی میان شعر معاصر ایران و افغانستان است. همچنین مهم‌ترین پرسش این پژوهش «تفاوت‌های مضمونی» میان شعر معاصر دو ملت است. منظور از تفاوت مضمونی، تفاوت در نوع و کیفیت مضامین نیست. چون فرض بر اشتراک گسترده در نوع مضامین است؛ مراد اصلی: تفاوت در کمیت مضامین و به گونه‌ی پردازش آنها است که طبیعتاً از تفاوت‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به سر است. برای مثال: مفهوم مهاجرت، انزوا، غربت و امثال آن در شعر معاصر افغانستان (از نظر کمی) قابل ملاحظه خواهد بود و می‌توان از آن به عنوان گرایش مضمونی یاد کرد. با این توضیح، به سؤال‌ها و فرضیه‌های مهم این پژوهش خواهیم پرداخت:

الف. پرسش‌ها

- مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر معاصر افغانستان در سه دهه‌ی اخیر کدامند؟
- چه مضامینی از بسامد بالاتری برخوردارند؟
- مهم‌ترین گرایش‌های مضمونی شعر معاصر افغانستان کدامند؟

ب. فرضیه‌ها

- به دلیل سنخیت‌های فرهنگی، زبانی و تاریخی، درون‌مایه‌های شعر معاصر افغانستان شباهت بسیاری به مضامین شعر معاصر ایران دارد؛
- مضامین شعر معاصر افغانستان (از لحاظ کمی) به مضامین خاص که متأثر از شرایط سیاسی این کشور است، گرایش قابل ملاحظه‌ای دارد. به عبارتی دقیق‌تر: حوزه‌ی سیاست مادر تغییر در تمامی حوزه‌های دیگر است و تأثیر آن بر تمام شئون زندگی، از جمله شئون فرهنگی و ادبی و شعر هر دوره ملموس است. وقتی شرایط عمومی یک کشور، جنگ، ناامنی، مهاجرت ناخواسته، فقر، بیماری و ... باشد، بدیهی است مضامین شعری آن کشور نیز متأثر از این ویژگی‌ها خواهد بود.

جامعه‌ی آماری و نمونه‌ها

محدوده‌ی زمانی این پژوهش از حدود ۳۰ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۵۸ تاکنون خواهد بود. افغانستان در این دوره، حوادث و حکومت‌های گوناگونی را به خود دیده است. از حکومت‌های کمونیستی تا جهادی و طالبانی و آمریکایی. بدیهی است در چنین اوضاعی صنعت چاپ و نشر نمی‌تواند چندان فعال باشد. با این حال حدود یکصدویست اثر از شاعران این دوره، با شمارگان بسیار محدود (از یکصد تا هزار نسخه) در افغانستان (به صورت غیرفنی و با دستگاه‌های سنتی) چاپ شده و صاحب اثر آنها را به دیگران هدیه داده است. بنابراین بسیاری از این کتاب‌ها به ویرترین فروشگاه‌های کتاب نمی‌رسند. آثار برخی از شاعران خوش اقبال نیز در پاکستان، ایران، هند و کشورهای اروپایی چاپ شده است که تعداد آنها نیز کمتر از هشتاد اثر است. بدیهی است چنین وضعی برای محققان توأم با دشواری‌هایی خواهد بود (در بخش محدودیت‌ها و مشکلات به این دشواری‌ها خواهیم پرداخت).

از میان حدود ۹۰ مجلد شعر که تهیه کرده‌ام، نکته‌هایی را برای انتخاب نمونه‌ها در نظر گرفته‌ام که به آنها اشاره می‌کنم.

- آثار شاعرانی را که بیشتر از یک اثر چاپی داشته‌اند، بررسی کرده و از میان دو یا چند اثر ایشان یک اثر را برگزیده‌ام؛

- سعی کردم از دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ نمونه‌هایی را برگزینم ولی این تلاش برای دهه‌ی اول قرن به موفقیت نبود (دلیل آن را در بخش محدودیت‌ها و مشکلات بیان کرده‌ام)؛

- سعی کردم بین شاعران مقیم و شاعران مهاجر به ایران و پاکستان و اروپا تناسبی کمی برقرار کنم؛

- سعی کردم در مجموعه‌ای که بر می‌گزینم، شاعران زن نیز به تناسب شاعران موجود، حضوری متعادل داشته باشند؛

- تلاش کردم در میان آثار برگزیده، هم شعر نو و هم شعر سنتی (عروضی- کلاسیک) حضور داشته باشد؛

- در انتخاب نمونه‌ها از شاعران، استادان دانشگاه و شعرشناسان کسب نظر کردم. عزیزانی که در این انتخاب به صورت مکتوب اعلام نظر کرده‌اند را نام می‌برم:

الف. دکتر رهنورد زریاب از استادان پیشکسوت زبان و ادب پارسی دانشگاه کابل؛

ب. دکتر ولی احمدی پرخاش، استاد گروه زبان دری دانشگاه کالیفرنیا؛

پ. استاد سیدابوطالب مظفری، شاعر و سردبیر محترم فصلنامه‌ی «دز دری»؛

ت. استاد محب بارش، شاعر و عضو هیأت علمی گروه ادبیات دانشگاه کابل؛

ث. استاد محمد کاظم کاظمی، شاعر، محقق، منتقد ادبی و نویسنده افغانستانی مقیم ایران؛

ج. استاد محمد باجوہ محقق و مدیر مسئول فصلنامه‌ی فرهنگی، هنری خط سوم؛

چ. استاد محمد ابراهیم شریعتی محقق، منتقد ادبی و مدیر مسئول نشر عرفان (بزرگ‌ترین ناشر افغانستانی مقیم ایران)؛

انتخاب نهایی اینجانب برآیند، از نظرهای این عزیزان و مؤلفه‌های مذکور است. بدیهی است این ۱۴ گزینه، برترین‌های شعرای افغانستان نیستند و اینجانب اساساً اعتقادی بر برتری شعری بر شعر دیگر ندارم و معتقدم در این عرصه، عنصر تعیین‌کننده، مذاق خواننده‌ی شعر است. در زیر نام شاعران برگزیده، نام اثر انتخاب شده‌ی آنها به ترتیب الفبا آورده شده است:

الف. محبوبه ابراهیمی؛ بادها خواهران من‌اند

ب. روح‌الامین امینی؛ مینو به عبارت دیگر

پ. واصف باختری؛ مویه‌های اسفندیار گم‌شده

ت. خالده تحسین؛ ابر کوچک غزل

ث. زهرا حسین‌زاده؛ نامه‌ای از لاله کوهی

ج. عبدالواحد رشته؛ گزینه‌ی اشعار

چ. بارق شفیعی؛ ستاک

ح. عبدالقهار عاصی؛ غزل من و غم من

خ. رازق فانی؛ شکست شب

د. خالده فروغ؛ سرنوشت دست‌های نسل فانوس

ذ. محمد کاظم کاظمی؛ قصه خشت و سنگ

ر. ابوطالب مظفری؛ سوگ‌نامه‌ی بلخ

ز. پرتو نادری؛ دهان خون‌آلود آزادی

ژ. لطیف ناظمی؛ سایه و مرداب.

شهری، سردآوری داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل آنها

چندین انتشارات در تهران، مشهد، کابل و هرات (انتشارات حوزه هنری، سپیده‌دمان، عرفان، تران و...) بسیاری از منابع مورد نیاز این پژوهش را عرضه می‌کنند. سایت‌های فراوانی نیز به این مهم پرداخته‌اند. سفارتخانه‌ها و رایزنی‌های فرهنگی دو کشور نیز برای تأمین منابع همکاری کرده‌اند. بسیاری از منابع را در چند سفر به کابل و هرات فراهم کرده‌ام. برخی از استادان ایرانی نیز به صورت تخصصی در حوزه‌ی ادبیات افغانستان فعالیت داشته‌اند، برخی از استادان و دانشجویان افغانستانی مقیم و یا مسافر به ایران نیز منابعی برای تأمین این نیاز برسانند. در نهایت تعداد بیش از ۹۰ مجموعه‌ی شعر برای انجام این رساله فراهم شده است که نام آن‌ها در انتهای رساله آورده شده است.

روش این پژوهش نیز توصیفی، استنباطی و تحلیلی خواهد بود. همچنین این رساله می‌تواند مبنایی باشد برای کار تطبیقی در حوزه‌ی ادبیات معاصر ایران و سایر ملل جهان به روش سنجش همبستگی. همچنین می‌تواند مبنای پژوهش‌های آینده باشد که ارتباط وضع موجود را با اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تبیین کند. مقدمات و مراحل تهیه و تنظیم این پژوهش به شرح زیر است:

۱. انتخاب موضوع

از آنجا که تأویل، گستره‌ی موضوع‌های اصلی و فرعی شعر معاصر افغانستان را بسیار وسیع و البته در مواردی مبهم می‌نمود، برای انتخاب مدخل‌های کار، خود متن و عبارت‌ها و کلمه‌های به کار برده شده در آن، بدون توجه به تأویل و تفسیرهای مختلف، ملاک قرار گرفت.

به این ترتیب در مرحله‌ی اول فیش‌برداری، تمامی اشاره‌های صریح و غیرصریح (شامل کنایه، مجاز و استعاره) به موضوع‌های مختلف جمع‌آوری شد. این کار در مورد شعرهایی که قالب کلاسیک داشتند، بسیار دقیق‌تر از شعرهایی که در قالب‌های نیمایی یا سپید سروده شده‌اند، اجرایی شد. کار با شعر کلاسیک این امکان را فراهم می‌آورد که واحد معنایی مشخصی، مثل بیت، اساس گزینش موضوع قرار گیرد؛ بنابراین دقت تعیین موضوع، به خاطر محدود بودن گستره‌ی معنایی بالاتر است. در شعرهای نیمایی و سپید، واحد معنایی گاهی چند سطر قرار می‌گرفت و به این ترتیب، علاوه بر اشاره‌های مستقیم به موضوع‌ها، ناگزیر از اشاره‌های غیرمستقیم و معناهای فرامتنی هم بودم. با این همه، تلاش بر این بوده است تا برای هر یک از هرگونه قضاوت نادرست یا سوء تعبیر و برداشت، در حد امکان، متن و اشاره‌های مستقیم آن معیار گزینش قرار گیرد. برای مثال: در رباعی زیر، گزینش مدخل‌ها به این ترتیب است:

این می‌کده مسجد نیازی بوجه مستحشست سر خم مهر نمازی بوده‌ست // وان رشته
که ساقی به سر خم می‌بست / عمامه مستحشع پاک‌بازی بوده‌ست
می‌کده / مسجد / مکانی که شاعر از آن یاد می‌کند
نیاز / پاک‌بازی / صفت
نماز / عنصر مذهبی - عرفانی

خشت؛ خم؛ مهر؛ رشته؛ عمامه؛ اسم ذات و از لوازم مهر برد در ساختمان
خیال شاعر که در این شعر متوجه امور عرفانی / مذهبی است
ساقی؛ شیخ؛ به عنوان شغل، مقام و منصبی که زمینه‌ساز خیال دانه‌ساز است
همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، به اشاره‌های فرامتنی و جنبه‌ی انتقادی و سفسفی شعر
در این سطح از گزینش موضوع، اشاره‌ای نشده است. جنبه‌ی انتقادی و اجتماعی وقتی
مورد دقت قرار گرفته که شاعر به صراحت قصد انتقاد یا پرداختن به معضله‌ها و
واقعیت‌های اجتماع داشته باشد. این دسته از موضوع‌ها در شعرهای محمدکاظم کاظمی
به وفور دیده می‌شود.

۲. ضبط موضوع

اما ضبط مدخل‌ها، بر اساس همین توضیحاتی که در بالا، مقابل هر مدخل قرار

گرفته و با شیوه‌ای خلاصه‌وار انجام شده است. در همان مثال بالا، ضبط مدخل‌ها به ترتیب به این شکل بوده است:

مکان/میکده/این میکده مسجد نیازی بوده‌ست

مکان/مسجد/این میکده مسجد نیازی بوده‌ست

نیاز/این میکده مسجد نیازی بوده‌ست

لوازم/خشت/خشت سر خم مهر نمازی بوده‌ست

لوازم/خم/خشت سر خم مهر نمازی بوده‌ست

لوازم/مهر/خشت سر خم مهر نمازی بوده‌ست

مذهبی/اماز/خشت سر خم مهر نمازی بوده‌ست

لوازم/دشت/واز رشته که ساقی به سر خم می‌یست

شغل/سان/وان/ست که ساقی به سر خم می‌یست

پوشیدنی/عمامه/عمامه‌ی شیخ پاک‌بازی بوده‌ست

شغل/شیخ/عمامه‌ی شیخ پاک‌بازی بوده‌ست

پاکی/پاک/پاک‌بازی/عمامه‌ی شیخ پاک‌بازی بوده‌ست

۳. دسته‌بندی موضوع‌ها

همان‌طور که از مثال‌ها پیداست، در این شباهت‌ها امکان کلمه‌ها را زیر دسته و موضوعی کلی قرار داده‌ایم تا کار طبقه‌بندی موضوع‌ها از سه بعدی دوم کار بود، راحت‌تر و دقیق‌تر انجام شود. برای این منظور تمامی موضوع‌ها، تقریباً به غیر از اسامی معنی، در ذیل طبقه‌های کلی‌ای مثل: مکان، زمان، فصل، دوران، گیاه، حیوان، انسان، مناطق جغرافیایی، مناطق طبیعی، عناصر طبیعی، مذهبی، نجوم، اعلام، لوازم، پوشیدنی، خانواده، شهر، کشاورزی، دامداری، خانه، شغل، و... قرار گرفت. ولی با توجه به حجم وسیع کار انجام شده و بنا بر توصیه‌های استادان محترم راهنما و مشاور، برای مدخل‌گزینی ملاک دقیق‌تری را اتخاذ کردم که به شرح زیر است:

تمامی طبقه‌های کلی از جمله مناطق طبیعی و جغرافیایی، عناصر طبیعی، زمان‌ها، پوشیدنی‌ها و خوردنی‌ها و... از برنامه‌ی کار این رساله خارج شده است. از این دسته

فیش‌ها در مقاله‌های آتی بهره‌برداری خواهد شد.

در مرحله‌ی بعدی، از میان واژگان، فقط واژگان انتزاعی یا اسم معنی برگزیده شدند. توضیح این که مدخل‌های خارج شده بیشتر واسطه‌هایی برای مضمون‌سازی بوده و مدخل‌های برگزیده شده به صورت مستقیم نقش درون‌مایه‌سازی را در ابیات و قطعات شعری ایفاء نمودند.

۴. استخراج مضمون

مقابل موضوع‌های استخراج شده، شاهد مثال‌هایی از دفترهای مختلف شعر گردآوری شده است. بدین‌جهت است کار انتقال مضمون با همین مثال‌ها خواهد بود.

محدودیت‌ها و مشکلات

هر پژوهش به اقتضای موضوع، روش، نوع و جامعه‌ی آماری، در فرآیند پژوهش و نگارش دچار مشکلاتی خواهد بود. این پژوهش نیز با توجه به اقتضانات مذکور، با مشکلاتی مواجه بوده است که به آنها اشاره می‌گردد:

- محیط جغرافیایی جامعه‌ی مورد تحقیق، خارج از ایران بوده است. به همین دلیل دوری مسافت و ترددهای پی در پی و ناامنی برخی استان‌ها، مشکلاتی را برای پژوهش ایجاد کرده است.

- دشواری دسترسی به امکانات ارتباطی از جمله اینترنت بر مبنای روز مشکلاتی شده است؛ به نحوی که بیشتر سایت‌های اینترنتی معرفی شده در مجله‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌ها قابل دسترسی نبوده‌اند. این امر نیز ناشی از کمبود امکانات فنی در کشور مورد نظر است (حتی در مناطق مرکزی پایتخت این کشور بیشتر از ۵ ساعت در روز برق قطع می‌شود).

- چاپ و نشر کتاب، به‌ویژه در حوزه‌ی شعر و ادب، بیشتر جنبه‌ی غیرفنی دارد. عرف اینگونه است که به تعداد محدودی (از ده نسخه تا حداکثر هزار نسخه) چاپ می‌شود و خود شاعر یا نویسنده این کتاب‌ها را به دوستان و آشنایان هدیه می‌دهند. به این دلیل بسیاری از منابع مکتوب در کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها یافت نمی‌شود.

- پراکندگی آثار تحقیقی در حوزه‌های شعر و ادب و بدون نشدن این آثار طی دو دهه

بحران ناشی از جنگ‌های داخلی، یکی دیگر از محدودیت‌ها و موانع این پژوهش است.

- محدودیت دسترسی به منابع تحقیق به‌ویژه در دهه‌ی ۶۰ (دوره کمونیستی) دو چندان است و دلیل این امر ماهیت ساختاری و سیاسی این نوع حکومت است. اعمال محدودیت‌های بسیار، نداشتن روابط دیپلماتیک و بسته بودن ساختار داخلی و یک‌جانبه بودن آثار چاپی در این دوره از مصادیق دشواری کار در این دوره است.

- پس از سقوط دولت کمونیستی مشکلات باز هم بیشتر شد. به این دلیل که در این دوره کتاب‌سوزی گسترده‌ای انجام شد و بخشی از این کتاب‌ها از مراکز علمی فرهنگی دور شده، به نازل مردم انتقال یافت؛ برخی از کتاب‌ها نیز به صورت غیررسمی به کشور پاکستان منتقل شد که عملاً دسترسی به آنها دشوار است.

- مهاجرت انحصارهای علمی، فرهنگی و ادبی کشور افغانستان به سراسر دنیا، یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش است. بسیاری از ادبا و شاعران افغانی در اروپا، پاکستان، هند و امریکا مقیم هستند؛ این عده ناشناخته هستند و دسترسی به آنها مشکل است.

- برخلاف مشکلات مذکور، تعداد قابل توجهی از منابع (کتاب، مقاله، نشریه، پایان‌نامه) را فراهم کردم ولی به گداز من بیشترین مشکل این پژوهش انتخاب برگزیده‌های جامعه‌ی آماری است. بدیهی است، دلیل نبودن شاخص‌های کیفی دقیق، تعیین نمونه‌ها به کل جامعه‌ی آماری این پژوهش دشوار است.

پیشینه‌ی پژوهش

پیرامون شعر معاصر افغانستان، اعم از مجموعه شعر، برگزیده‌ی اشعار، گزیده‌های موضوعی درباره‌ی جنگ، جهاد، شهادت، هویت، انزوا، مظلومیت، مقاومت، مهاجرت و امثال آن ... در ایران و افغانستان و پاکستان و هند و برخی کشورهای اروپایی و امریکا مجموعه‌هایی به چاپ رسیده و همچنین کتاب‌های توصیفی و تحلیلی فراوانی نیز در کشورهای نامبرده منتشر شده است؛ ولی هیچ کدام از این منابع به صورت مستقیم به موضوع این رساله نپرداخته‌اند.

موضوع این رساله در واقع «مشتی از خروار» است؛ یعنی مواجهه موضوعی با تمامیت شعر معاصر افغانستان.

کتاب‌ها و مقاله‌ها و رساله‌های موجود، به صورت گرایشی به این مهم پرداخته‌اند. برای مثال به موضوع‌های «شعر مقاومت»، «شعر مهاجرت»، «شعر سیاسی» یا «شعر دینی» و امثال آن پرداخته شده است؛ ولی در این رساله با روش تقریباً علمی، نمونه‌هایی از شعر معاصر افغانستان انتخاب شده و تمام مضامین این نمونه‌ها استخراج و طبقه‌بندی شده است. این کار - نه تنها در شعر معاصر افغانستان - بلکه در شعر معاصر ایران نیز بی‌نظیر است. مرسم است که در پیشینه‌ی پژوهش عناوین کتاب‌ها، مقاله‌ها، نشریات، پایان‌نامه‌ها، سمینارها و سخنرانی‌های علمی و سایت‌های اینترنتی که با موضوع رساله در ارتباط هستند، ذکر شده، اما برای رعایت اختصار و عدم تکرار مطالب، فقط در پایان رساله به‌طور مفصل این منابع پرداخته شده است.

تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی

«درون‌مایه» مفهوم کلیدی این رساله است. درون‌مایه مترادف‌های بی‌شماری دارد که در این بخش بررسی خواهد شد: مضمون، مایه، موتیف و تم از جمله‌ی این مترادف‌هاست. علاوه بر این واژگان، کلمه‌ها و ترکیب‌های دیگری که بعضی از آنها با این کاربرد مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارت است از: بیان کلام (در مقابل ظاهر کلام)، معنی (در مقابل شکل)، باطن (در مقابل ظاهر)، انباشته (در مقابل صورت)، روح سخن (در مقابل شاکله یا ساختار ظاهری) و ... ترکیب‌ها و واژه‌های دیگری نیز وجود دارند که به علت کاربرد غیرعلمی یا بسامد کم، به آنها نمی‌پردازیم.

تعریف‌های متفاوت و نظریه‌های مختلف درباره‌ی درون‌مایه

اصطلاح درون‌مایه، در اصل، به معنای موضوعی بود که خطیبی قصد می‌کرد درباره‌اش خطابه‌ای ایراد کند. تاسیت از درون‌مایه همچون معادلی برای «موضوع» سخن می‌گوید؛ کوین تیلیانوس در رساله‌ای که در باب رتوریک حقوقی نوشته است، درون‌مایه را تحت عنوان «ابداع» و به منزله‌ی «واقعیات مربوطه» مورد بحث قرار می‌دهد. در سده‌های میانه، درون‌مایه، معنای «متن کتب مقدس» را پیدا کرد که موعظه‌ها بر پایه‌ی آن شکل گرفته بودند.